

سره‌نویسی فارسی در دربار ایلخانان (شهنشاه‌نامه احمد تبریزی: یگانه اثر منظوم به فارسی سره)

مهشید گوهری کاخکی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

محمدجواد مهدوی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

منظومه حماسی - تاریخی شهنشاه‌نامه احمد تبریزی یکی از تاریخ‌های عمومی مغولان است که در سال (۷۳۸ هـ.) به زبان فارسی و در وزن و سبک شاهنامه فردوسی سروده شده است. یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته منظومه شهنشاه‌نامه، تلاش آگاهانه شاعر برای پاک‌سازی زبان فارسی است که این منظومه را از سایر آثار منثور و منظوم فارسی متمایز می‌سازد و آن را به‌عنوان یگانه اثر منظوم فارسی و نخستین متن کاملی که به فارسی سره سروده شده است، مطرح می‌کند.

در این مقاله ابتدا ادعای احمد تبریزی مبنی بر نوشتن منظومه‌ای سراسر پارسی و خالی از کلمات بیگانه مطرح و با مطالعه بسامد واژه‌های عربی، ترکی و مغولی در منظومه شهنشاه‌نامه، این مسئله بررسی شده است. سپس فارسی‌گرایی در شهنشاه‌نامه تبریزی و شاهنامه فردوسی مقایسه شده است تا میزان پایبندی تبریزی به سره‌نویسی بهتر نشان داده شود. در ادامه، انگیزه‌های شاعر در سرودن منظومه‌ای سراسر پارسی، از جمله دل‌بستگی و عشق به هویت ایرانی و تلاش برای بقای زبان فارسی، بیان شده است. پس از بررسی مختصر پیشینه سره‌نویسی در

زبان فارسی، جایگاه منحصر به فرد شهنشه‌نامه تبریزی در این زمینه و اهمیت سرایش منظومه‌ای به پارسی سره در دربار ایلخانان ترک مطرح شده است.
کلیدواژه‌ها: منظومه حماسی - تاریخی، شهنشه‌نامه احمد تبریزی، سره‌نویسی، شاهنامه فردوسی، عربی، ترکی.

۱- مقدمه

یکی از تاریخ‌های منظوم، که در دوره ایلخانان سروده شده، منظومه شهنشه‌نامه است که احمد تبریزی نظم آن را در سال ۷۳۸ هجری به پایان رسانده است. این منظومه حماسی - تاریخی که مشتمل بر بیش از شانزده هزار بیت است، به تازگی تصحیح و چاپ شده است. تنها نسخه خطی این منظومه، به همراه سه منظومه حماسی دیگر، به شماره Or.2780 در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. شهنشه‌نامه در ورق ۴۱-۱۳۲ این مجموعه قرار دارد و مورخ است به تاریخ ۸۰۰ هجری. در این منظومه، حوادث تاریخ مغول با شرح مختصری از اجداد چنگیز آغاز شده، سپس احوال چنگیزخان و جانشینان او تا دو سال پس از مرگ سلطان ابوسعید بهادرخان، آخرین سلطان ایلخانی، روایت شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته منظومه شهنشه‌نامه، کوشش آگاهانه شاعر برای سره‌نویسی است که بر ارزش زبانی و تشخیص سبکی اثر افزوده و آن را از سایر آثار منظوم فارسی متمایز ساخته است. احمد تبریزی حماسه تاریخی خود را در دوره استیلای مغول و در دربار ایلخانان ترک سروده است. در این دوران، کاربرد زبان عربی همچنان مورد توجه نویسندگان فارسی‌زبان بود و نشانه فضل و دانش صاحب اثر محسوب می‌شد. انبوه کلمات و اصطلاحات نامأنوس عربی، ترکی و مغولی در متون تاریخی این دوره دیده می‌شود. در چنین فضایی، اصرار شاعری اهل تبریز بر سرودن منظومه‌ای سراسر پارسی و خالی از کلمات بیگانه، یک رخداد معنادار و بیانگر تعلق خاطر شاعر به فرهنگ و ملیت ایرانی و زبان فارسی است.

۲- پیشینه پژوهش

در کتاب‌ها و مقالاتی که در آنها به تاریخ‌های منظوم دوره مغول پرداخته شده است، فقط به

ذکر مشخصات کلی شهنشاه‌نامه احمد تبریزی بسنده شده و به ویژگی‌های تاریخی و ادبی این اثر اشاره چندانی نشده است. فقط در پایان‌نامه «تاریخ‌نگاری منظوم در دوره مغول» (راشکی علی‌آباد، ۱۳۸۹) و مقاله مرتبط با آن با عنوان «عنایت به شاهنامه فردوسی و شاهنامه سرایی در عصر فرمانروایی مغولان بر ایران» (عباسی و راشکی علی‌آباد، ۱۳۸۹)، شهنشاه‌نامه با رویکردی تاریخی معرفی و به برخی نکات ادبی منظومه، از جمله سره‌نویسی، به طور مختصر اشاره شده است (همان: ۳۴-۳۷). تنها اثری که به صورت مفصل به منظومه شهنشاه‌نامه پرداخته، پایان‌نامه «بررسی ویژگی‌های زبانی و ادبی منظومه تاریخی شهنشاه‌نامه احمد تبریزی» (گوهری کاخکی، ۱۳۹۱) است که از جنبه‌های گوناگون ادبی و زبانی منظومه مورد نظر را بررسی کرده است.

۳- ادعای سره‌نویسی احمد تبریزی

احمد تبریزی چندین بار در منظومه شهنشاه‌نامه ادعا کرده است که تمام منظومه به زبان پارسی و دری سروده شده و او از آوردن کلمات غیرفارسی خودداری کرده است. شاعر به این شکل تلاش کرده است این ویژگی منظومه خود را برجسته کند و نشان بدهد که سره‌نویسی شهنشاه‌نامه کاملاً آگاهانه و هدفمند انجام شده است. علاوه بر این، تبریزی بارها تأکید کرده که هیچ‌کس در گذشته کتابی «همه پارسی» نگفته است و در آینده هم کسی همانند آن نخواهد سرود. شاعر نخستین بار در بخش‌های آغازین منظومه به این نکته اشاره کرده است:

اگر پاک‌بیزدان کند یاوری	نگویم به‌جز پارسی و دری
همه پارسی، این نگفته‌ست کس	اگر سخته‌ای هست این است و بس
اگر تیغ‌دستان سپر افگند	در این راه سیمرغ پر افگند
چو گفتی به سر بر اگر می‌بری	تورا هرچه باید همه در دری

(تبریزی، ۱۳۹۷: بیت‌های ۶۶-۶۹)

۳-۱- پرهیز از واژه‌های عربی

شهنشاه‌نامه تبریزی اثری حماسی و سرشار از اصطلاحات نظامی است. با آنکه در آثار فارسی بسیاری از واژه‌های مرتبط با میدان نبرد عربی و ترکی هستند، اما تبریزی از کاربرد

این گونه کلمات سخت پرهیز کرده و برای اشاره به ابزارها و سلاح‌های رزمی واژه‌های فارسی به کار برده است. در سراسر منظومه، کلمات عربی مانند *جبهه*، *درع*، *سنان*، *عمود*، *مغفر* به کار نرفته و به جای آن از واژه‌هایی پارسی، مانند *برگستوان*، *بلارک*، *پرندآور*، *ترکش*، *ترگ*، *تیر*، *تیغ*، *جوشن*، *خدنگ*، *خفتان*، *خود*، *دشنه*، *زره*، *زوبین*، *سپر*، *سگ‌زن*، *شمشیر*، *کمان*، *کمند*، *کوپال*، *کیش*، *گرز*، *ناوک*، *نیام*، و نیزه استفاده شده است. دو واژه *بلارک* و *پرندآور*، که در آثار دیگر فارسی کاربرد بسیار کمی دارند، در *شهنشاه‌نامه* به ترتیب ۱۶ و ۶ بار تکرار شده است:

گرفته جهان را سپاه گران پرندآور و گرز و تیر و کمان

(همان: بیت ۱۰۹۵)

خنک آن که اندوخت نام به زخم بلارک به ختم کمند

(همان: بیت ۴۲۷۹)

تبریزی در مورد آلات موسیقی بزمی و رزمی نیز فقط از کلمات فارسی استفاده کرده است. در *شهنشاه‌نامه* بیشتر به آلات موسیقی رزمی *تیره*، *نای*، *سرنای* و چند مورد *کوس*، *شیپور* و *کزه‌نای*، و سازهای بزمی *چنگ*، *نی*، *رود* و *دهل* اشاره شده و کلمات عربی، مانند *جرس*، *بوق*، *طبل*، *عود*، *بربط* و *طنبور*، در سراسر منظومه به کار نرفته است. فقط کلمات عربی *رباب* و *ربابی*، به ترتیب ۴ و ۱ بار در منظومه تکرار شده است.

سراینده *شهنشاه‌نامه* حتی از آوردن کلمات عربی که به طور معمول در زبان فارسی به کار می‌رفته، خودداری کرده و کوشیده است از واژه‌های فارسی به جای آنها استفاده کند. برای مثال، به جای *غم* کلمه‌های *اندوه* و *تیمار*، به جای *صبح*، واژه‌های *پگاه* و *بامداد* و به جای *صید* و *صیاد*، واژه‌های *شکار* و *دامیار* به کار رفته است.

دامیار در متون فارسی کمتر کاربرد داشته و نشانه تعصب سراینده در به‌کارگیری

واژه‌های فارسی است:

شکارش پلنگ است روز شکار نهنگ است در دام این دامیار

(تبریزی، ۱۳۹۷: بیت ۸۵۷)

۲-۳- بسامد اندک واژه‌های عربی در شهینشاه‌نامه

در شهینشاه‌نامه تعداد بسیار اندکی واژه رایج عربی نیز به چشم می‌خورد که احتمال دارد شاعر در اثر عادت ذهنی، به بیگانه بودن این واژه‌ها توجه نکرده باشد. کلمات آبا، ایشار، جُرم، جولان، دولت، ریحان، شرح، صفت، قبا، کافور، مرجان، نثار و نوع ۱ بار، کلمه دون ۳ بار و کلمه غوطه ۳ بار (و ۱۲ بار با املائی غوطه) در کل منظومه به کار رفته‌اند.

در موارد انگشت‌شماری واژه‌های غریب و نامأنوس عربی در منظومه به کار رفته که شاعر می‌توانسته به جای آنها از کلمات فارسی استفاده کند؛ ممکن است پاره‌ای از واژه‌های عربی شهینشاه‌نامه در اثر بدخوانی کاتب از روی نسخه اساس یا بدخوانی نگارندگان مقاله از روی نسخه خطی به این اثر راه یافته باشد. در ادامه این واژه‌ها فهرست شده‌اند:

زحیر:

زبردست چون ابر باران چو تیر بیارید بر جان ایشان زحیر

(همان: بیت ۲۳۹۳)

سما: با توجه به اینکه در شهینشاه‌نامه همواره واژه آسمان به کار رفته‌است، کاربرد این کلمه جای تأمل دارد:

ستاره بیاریدی از آسمان فروریختی از سما استخوان

(همان: بیت ۱۰۸)

مراغه‌زنان:

می ناب خوردند بیگاه و گاه مراغه‌زنان در مراغه سپاه

(تبریزی، ۱۳۹۷، بیت ۱۰۴۶۵)

این ترکیب به ندرت در اشعار فارسی به کار رفته‌است:

تو در مراغه فارغ و صوفی به نوبهار در خاک و خون مراغه‌زنان ز آرزوی تو

(اوحدی، ۱۳۴۰: ۲۸۵).

واژه عربی **مراغه** به معنی «غلتیدن» از جمله در اشعار مولوی، عطار، ناصر خسرو، امیر خسرو، عنصری، سنائی و اوحدی مراغه‌ای دیده می‌شود. شاید شاعر به ایجاد جناس بین **مراغه‌زنان** و شهر **مراغه** توجه کرده و از عربی بودن آن غافل شده‌است.

تبریزی معمولاً هنگامی که در تنگنای وزن قرار گرفته یا در یافتن واژه‌ای جایگزین برای کلمات عربی با دشواری مواجه شده، واژه‌های عربی به کار برده‌است. در برخی موارد هم گویی شاعر از عربی بودن این کلمات غافل مانده و ناآگاهانه آنها را به کار گرفته‌است:

عالم: در این بیت از بوستان، واژه «عالم» نیز عربی است که در دو بیت دیگر شهنشاها نامه هم تکرار شده و آن ابیات نیز تضمین مصراع «دمی پیش دانا به از عالمی است» (بیت‌های ۹۱۲۸ و ۱۶۳۸۷) از بوستان (سعدی، ۱۳۸۷: ۲۳۵) و شاعر بدون تغییر آن را آورده‌است.

کمین (بسامد: ۲۵): این واژه پرکاربردترین واژه عربی در شهنشاها نامه است که با توجه به روح حماسی منظومه، کاربرد چنین کلمه‌ای در آن طبیعی می‌نماید:

نشستند و کردند یکسر کمین یکی گفت با شاه روی زمین

(همان: بیت ۳۴۷۲)

لیکن (فارسی شده لکن): در یک بیت که تضمین یکی از ابیات بوستان (سعدی، ۱۳۸۷):

۱۲۸)، است به کار رفته‌است:

جهان را همه کار آشفته‌است خنک جان او را که خوش گفته‌است:
«گرفتیم عالم به مردی و زور ولیکن نبردیم با خود به گور»

(تبریزی، ۱۳۹۷: بیت‌های ۷-۸۳۸۶)

مرهم (بسامد: ۱۴):

لب تشنه خشک است، زمزم کجاست؟ دل خسته ریش است، مرهم کجاست؟

(تبریزی، ۱۳۹۷: بیت ۱۳۵۴۷)

مسجد (بسامد: ۲۰): واژه مزگت نیز چندین بار در شهنشاها نامه آمده‌است.

۳-۳- بسامد اندک واژه‌های مغولی و ترکی

احمد تبریزی در دربار ایلخانان که غالب عناوین، القاب و احکام حکومتی در آن به زبان مغولی بوده، تاریخ خود را نگاشته‌است. بسامد واژه‌ها و ترکیبات ترکی و مغولی در سایر

آثار این دوره، مانند تاریخ جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ رشیدی، بسیار بالاست. بی‌شک تبریزی در سرودن منظومه تاریخی خود از این گونه آثار بهره برده، اما هوشمندانه و با جدیت بسیار از کلمات بیگانه موجود در آنها پرهیز کرده است. البته شاعر به ناچار اسم‌های خاص عربی، ترکی، مغولی و عبری را در متن خود آورده است که این نکته خدشه‌ای بر ادعای سره‌نویسی وی وارد نمی‌کند.

در منظومه شهنشاه‌نامه - صرف‌نظر از اعلام - فقط ۱۳ واژه ترکی و مغولی اتابک، اینجو و نرگه (هرکدام ۱ بار)، بلغاغ و توغ (به ترتیب ۲ و ۴ بار)، پایزه، تمغا، سنغر، قراسو، قول [لشکر]، غازغان، یرلغ به کار رفته‌اند:

برآور به بازوی ما را امید سیه کن جهان را به توغ سپید

(تبریزی، ۱۳۹۷، بیت ۱۳۸۸۵)

بجوشید در غازغان ز آن گناه بخوردند او را سراسر سپاه

(همان: بیت ۱۰۶۷۲)

۴- مقایسه فارسی‌گرایی احمد تبریزی با فردوسی

با بررسی شهنشاه‌نامه تبریزی، به نظر می‌رسد که تعداد کلمات عربی این منظومه بسیار کمتر از شاهنامه است. بسیاری از کلمات عربی که در شاهنامه فردوسی به عنوان سلاح‌های جنگی و آلات موسیقی به کار رفته است و برخی از لغات عربی پرکاربرد در شاهنامه، مانند شمع، قصر، قلم، قلب، عاقل، عاشق، عنبر، غم، مجلس، در سراسر شهنشاه‌نامه دیده نمی‌شود. تعداد واژه‌های عربی در شهنشاه‌نامه، صرف‌نظر از کلمات «لیکن» و «عالم» در بیت‌های تضمین شده از سعدی، ۲۳ واژه است که ۸۹ بار تکرار شده است. با فرض ۵۰۰ واژه بسیط عربی در شاهنامه و با توجه به اینکه حجم شاهنامه فردوسی تقریباً سه برابر شهنشاه‌نامه است، مشخص می‌شود که کلمات عربی موجود در شاهنامه تقریباً هفت برابر شهنشاه‌نامه است. اگر تکرار کلمات در نظر گرفته شود، این تفاوت آشکارتر می‌شود و تعداد کلمات عربی شاهنامه، تقریباً سی‌وسه برابر شهنشاه‌نامه خواهد بود. نتایج حاصل از این مقایسه، میزان پابندی احمد تبریزی به سره‌نویسی را بهتر نشان می‌دهد.

نام منظومه	تعداد بیت‌ها	واژه‌های عربی (بدون تکرار)	درصد واژه‌های عربی (بدون تکرار)	واژه‌های عربی (با تکرار)	درصد واژه‌های عربی (با تکرار)
شاهنامه	۵۰۰۰۰	۵۰۰	۱ درصد	۸۹۳۸	۱۷/۸ درصد
شهنشاهنامه	۱۶۴۰۰	۲۳	۰/۱۴ درصد	۸۹	۰/۵۴ درصد

۵- انگیزه‌های احمد تبریزی

یکی از دلایل اصلی سرودن منظومه شهنشاهنامه به فارسی پاک را می‌توان انگیزه ادبی شاعر در جهت برتری‌جویی و رجحان منظومه‌اش بر آثار مشابه دانست که خود تبریزی چندین بار در شهنشاهنامه به آن اشاره و تأکید کرده که هیچ‌کس قبل از او اثری «سراسر همه پارسی و دری» خلق نکرده است. گویی شاعر به شکلی پنهان به رقابت با منظومه‌های دیگر - از جمله شاهنامه فردوسی - پرداخته و اثر خود را بر آنها برتری داده است.

تبریزی در انتهای شهنشاهنامه، بعد از اینکه ادعا می‌کند حتی یک واژه عربی (به جز نام‌های خاص) در منظومه وجود ندارد، انگیزه‌اش را برای انجام این تلاش فرسوده‌کننده، جاودانگی نام خود ذکر می‌کند:

از آن کوه و کوماله [؟] ز این آب و خاک
 یکی نیست جز نام تازی در او
 چنین پارسی کس نگفته‌ست پاک
 نگه چون کند کس به بازی در او؟
 ز اندیشه فرسوده شد جان و تن
 که باشد که نامی بماند ز من

(تبریزی، ۱۳۹۷، ابیات ۱۶۳۹۵-۷)

اما شاید مهم‌ترین انگیزه تبریزی برای سرودن چنین منظومه‌ای، انگیزه ملی و تلاش برای حفظ زبان فارسی بوده است. در دوران سرودن شهنشاهنامه، زبان فارسی یگانه عنصر هویت‌بخش فرهنگ ایرانی بود که ساکنان فلات ایران و دوستداران ایران فرهنگی را با وجود تنوع قومی یکپارچه می‌کرد و از فرهنگ‌های پیرامون آنها جدا می‌ساخت. شاعر شهنشاهنامه هم اگرچه از مردم تبریز و در خدمت ایلخانان ترک بود، اما خود را متعلق به ایران فرهنگی می‌دانست و به این سرزمین و فرهنگ مهر می‌ورزید. بنابراین، چون نمی‌توانست بیگانگان را از سرزمین خود بیرون براند، به پاسداشت زبان فارسی، به‌عنوان

یکی از ارکان مهم بقای ایران فرهنگی، پرداخت و تلاش کرد تا با خارج کردن واژه‌های بیگانه و سرودن منظومه‌ای به فارسی پاک، در این راستا گام بردارد. تعلق خاطر تبریزی به ایران و ایرانی، در چگونگی توصیف ایرانیان و مغولان و تصویرسازی‌های شاعر از دو قطب مخالف نیز کاملاً مشهود است. تبریزی کوشیده با به‌کارگیری هدفمند ابزارهای زبانی و بلاغی، تصویری نقادانه از مغولان و چهره‌ای مثبت و ستوده از ایرانیان نشان دهد (گوهری کاخکی و دیگران، ۱۳۹۲). نکته جالب توجه این است که در این دوره، هنوز جنبش ملی‌گرایی و ناسیونالیستی، آن‌گونه که در اواخر قرن سیزدهم هجری آغاز شد، وجود نداشته‌است.

۶- جایگاه منحصر به فرد شهشاه‌نامه در تاریخ سره‌نویسی فارسی

می‌توان گفت که رویکرد سره‌نویسی، از قرن پنجم هجری در آثار کسانی چون ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی آغاز شد. اما این نمونه‌ها، بیانگر حرکتی جدی و مستمر نبودند و هیچ متن مستقلی از قرن پنجم موجود نیست که با رویکرد سره‌نویسی نوشته شده باشد (صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۲). باید توجه داشت که وجود عباراتی به فارسی سره در برخی آثار، بدون اینکه با هدف پاک‌سازی زبان فارسی نوشته شده باشد، نشانه‌ای از جنبش سره‌نویسی نیست. علی‌اصغر حکمت در کتاب پارسی نغز، آثاری را که به زبان پارسی سره نگاشته شده‌اند، از نخستین نمونه‌های آن در قرن هشتم تا پایان قرن سیزدهم هجری بررسی کرده‌است. او از چهار نامه متعلق به این دوران نام برده‌است که همگی نامه‌های کوتاه چندصفحه‌ای به نثر هستند. قدیمی‌ترین نامه‌ای که حکمت به آن اشاره کرده، یک نامه چهارصفحه‌ای سراسر پارسی در بخش چهارم تاریخ و صاف است (حکمت، ۱۳۳۰: ۲۷).

صدری‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «پیشینه تاریخی و مبانی نظری سره‌نویسی»، یک نامه دیگر به این فهرست افزوده‌است: یک نامه دوازده‌سطری از بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی، مؤلف التوسل الی التوسل، که در قرن ششم هجری به نثری از عربیت خالی نگاشته شده‌است (صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۵-۱۰). همان‌طور که صدری‌نیا در مقاله خود اشاره کرده‌است، پنج اثر یادشده همگی نامه‌های کوتاه دوستانه هستند و نویسندگان آنها از مغلط‌نویسانی

بودند که تعلقی به سره‌نویسی نداشته‌اند. در نتیجه، سره‌نویسی آنها مبتنی بر اعتقاد قومی و میهنی نبوده‌است (همان: ۷-۱۰۶). دلیل این اقدام دبیران مستعرب را عموماً می‌توان سرگرمی یا نوعی فضل‌نمایی دانست.

تمامی آثاری که قبل یا بعد از شهنشاه‌نامه به فارسی سره نوشته شده‌اند به نثر هستند. شهنشاه‌نامه، با بیش از ۱۶۴۰۰ بیت، تنها منظومه فارسی است که از کلمات عربی و ترکی و مغولی کمابیش خالی است. بنابراین، شهنشاه‌نامه احمد تبریزی اثری منحصر به فرد در زبان فارسی محسوب می‌گردد؛ از یک جهت، نخستین نمونه یک متن کامل و مستقل به زبان فارسی سره است و از جهتی دیگر، تنها اثر منظومی است که به فارسی پاک سروده شده‌است.

۷- نتیجه‌گیری

احمد تبریزی در شهنشاه‌نامه چندین بار تأکید می‌کند که سراسر منظومه به پارسی و دری سروده شده‌است و حتی یک واژه عربی، به‌جز نام‌های خاص، در آن یافت نمی‌شود. او این ویژگی را وجه تمایز منظومه خود با دیگر آثار فارسی دانسته‌است.

با بررسی میزان کاربرد واژه‌های عربی، ترکی و مغولی در شهنشاه‌نامه، مشخص شد که شاعر تا حد زیادی از آوردن واژه‌های بیگانه پرهیز کرده‌است. با وجود این، تعداد بسیار اندکی واژه عربی در شهنشاه‌نامه به چشم می‌خورد که بسامد هر کدام از آنها معمولاً از دو یا سه مورد تجاوز نمی‌کند. تعداد کلمات ترکی و مغولی موجود در شهنشاه‌نامه نیز بسیار انگشت‌شمار و ناچیز است.

یکی از دلایل شاعر برای سرودن منظومه‌ای به فارسی سره، انگیزه ادبی برای خلق اثری متمایز با دیگر آثار ادبی پیش از خود بوده‌است. البته مهم‌ترین و اصلی‌ترین انگیزه تبریزی برای سرودن چنین منظومه‌ای را می‌توان عشق و دل‌بستگی او به زبان فارسی و ایران فرهنگی دانست.

تمام آثاری که قبل یا بعد از شهنشاه‌نامه به فارسی سره نوشته شده‌اند به نثر هستند. بنابراین، منظومه شهنشاه‌نامه احمد تبریزی یگانه اثر منظوم و نخستین متن کامل و مستقلی است که به فارسی سره سروده شده‌است.

منابع

- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین (۱۳۴۰)، دیوان، به کوشش حمید سعادت، تهران: کاوه.
- تبریزی، احمد، شهنشاه‌نامه، کتابخانه موزه بریتانیا، نسخه خطی شماره ۲۷۸۰، تألیف: ۷۳۸ ق، تاریخ کتابت: ۸۰۰ ق.
- تبریزی، احمد (۱۳۹۷)، شهنشاه‌نامه، به تصحیح مهشید گوهری کاخکی و جواد راشکی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری سخن.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۰)، پارسی نغز، تهران: حقیقت.
- خالقی مطلق، جلال و دیگران (۱۳۹۰)، فردوسی و شاهنامه‌سرایی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- راشکی علی‌آباد، جواد (۱۳۸۹)، «تاریخ‌نگاری منظوم در دوره مغول»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۸۷)، کلیات، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: کتاب پارسه.
- صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۸)، «پیشینه تاریخی و مبانی نظری سره‌نویسی»، مجله زبان و ادبیات فارسی، ش ۶۵، ص ۹۹-۱۲۸.
- عباسی، جواد و جواد راشکی علی‌آباد (۱۳۸۹)، «عنایت به شاهنامه فردوسی و شاهنامه‌سرایی در عصر فرمانروایی مغولان بر ایران (بررسی موردی: دو شاهنامه خطی در تاریخ مغول)»، مجله جستارهای ادبی، ش ۱۶۹، ص ۱۹-۴۴.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۰)، لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، تهران: سوره مهر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، ج ۳، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- گوهری کاخکی، مهشید (۱۳۹۱)، «بررسی ویژگی‌های زبانی و ادبی منظومه تاریخی شهنشاه‌نامه احمد تبریزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- گوهری کاخکی، مهشید و جواد عباسی و دیگران (۱۳۹۲)، «ارزیابی جایگاه مغولان و ایرانیان در شهنشاه‌نامه احمد تبریزی»، مجله جستارهای ادبی، سال ۴۶، ش ۱، ص ۵۷-۸۴.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، مسائل عصر ایلخانان، تهران: آگاه.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، «لغت‌های عربی در شاهنامه»، مجله چیستا، ش ۷۴ و ۷۵، ص ۴-۴۹۰.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی